

رویکردهای اجتماعی و تربیتی در اشعار ایرج میرزا

آسیه ذبیح نیا عمران^۱، فاطمه ایثاری^۲

^۱ دانشیار دانشگاه پیام نور

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد پیام نور

نام نویسنده مسئول:

فاطمه ایثاری

چکیده

ایرج میرزا (تولد ۱۲۵۲) یکی از شاعران مشهور عصر مشروطه است. رویکرد هنجاری و تربیتی در اشعار ایرج میرزا فرهنگ یا به منزله یک شیوه مشخص زندگی یا به منزله عقاید هنجاری نیرومند و پیامدهای آن مورد تأکید قرار می‌دهد. می‌توان در شعر او شیوه زندگی که زائیده محیط اجتماعی است. مورد بررسی و مذاقه قرار داد. هم چنین در رویکرد روانشناختی، فرآیندهایی از قبیل سازگاری، یادگیری و... را می‌توان به راحتی از ابیات ایرج میرزا استخراج کرد. وی به خاطر اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی زمان خود، بخصوص قرار گرفتن در جریان انقلاب مشروطه و نیز برای نزدیک شدن به قشر مردم عادی توجه خاصی به اجتماعی و تربیت مردم دارد. با مطالعه اشعار ایرج میرزا و با یک دید کلی و به خصوص با توجه به اثراتی که شرایط اجتماعی زمان مشروطیت بر ایرج نهاده بود می‌توان اشعار او را شامل رویکردهای اجتماعی و تربیتی عصر خویش دانست. مقاله حاضر می‌کوشد تا به روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل رویکردهای اجتماعی و مضامین تعلیمی و اندرزی اشعار ایرج میرزا بپردازد.

واژگان کلیدی: اجتماع، تعلیم و تربیت، شعر، ایرج میرزا.

مقدمه

ایرج میرزا به عنوان یک شاعر اجتماعی، مضامین تربیتی و اندرزی را به عنوان یکی از مضامین مهم آثار خویش قراردادده است. در رویکرد اجتماعی، عناصر مورد توجه از قبیل: تربیت، مذهب، آموزش و شگرد تعلیم و... و سپس به تدریج ارزش‌ها به عنوان یک عنصر اصلی و قوی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. بعد از آن کم کم هنجارها نیز به عنوان عنصر اصلی مطرح می‌شوند. به علاوه در کنار این عوامل مطرح شده تاکنون (یعنی: اعتقادات مذهبی، ارزش‌ها و هنجارها) از یک طرف عناصری مانند شعر از طرف دیگر نیز به حیطه عناصر تشکیل دهنده فرهنگ اجتماعی و تربیتی اضافه می‌شود. البته فرهنگ اجتماعی نظامی است از نگرشها، ارزش‌ها و دانشی که به طور گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

برخی از مضامین اجتماعی در اشعار ایرج میرزا مجموعه پدیده‌های رفتاری و ذهنی اکتسابی هر جامعه است که به آن جامعه شخصیت و هویت بخشیده و به همین دلیل جامعه تلاش می‌کند از طریق ساز و کارهایی با انتقال آن از نسلی به نسل دیگر دست به باز تولید خود بزند. در مجموع فرهنگ اجتماعی و تربیتی مجموعه‌ای از آگاهی‌ها (شناخت‌ها) و رفتارهای فنی، اقتصادی، آیینی (شعائر)، مذهبی، اجتماعی و غیره است که یک جامعه انسانی معینی را مشخص می‌کند. و در معنای گسترده خود کلیه دستاوردهای انسانی را شامل می‌شود و در این معنا ارزش‌ها، باورها، آگاهی‌ها، مهارت‌ها، دانش‌ها، هنر، فن و... را در بر می‌گیرد. هر جامعه‌ای دارای فرهنگ اجتماعی و تربیتی ویژه‌ی خویش است و بر پایه آن واکنش نشان می‌دهد و به وسیله آن از دیگر جامعه‌ها تمیز داده می‌شود.

۱. سابقه و ضرورت انجام تحقیق

تاکنون مباحث اجتماعی و تربیتی در اشعار ایرج میرزا بررسی نشده است اما برخی از مقالات و آثاری که درباره ایرج میرزا منتشر شده به شرح زیر است:

محمد جعفر محبوب در کتاب خود با نام «تحقیق در افکار و احوال و آثار ایرج میرزا» بعد از شرح زندگی و دیدگاه ایرج ابیات و اشعار او را آورده و در بخش پایانی به شرح کلمات پرداخته است.

هادی حائری در کتاب «افکار و آثار ایرج میرزا» به شرح زندگی او درج آثارش پرداخته و نظرات معاصران را در مورد این شاعر بررسی و نقد کرده است و در فصلی از کتاب اشعار و یادداشتهای منتشر نشده شاعر را آورده است.

زینب یزدانی پس از شرح زندگی و معرفی ایرج میرزا مضامین اشعار او را در کتاب خود با نام «ایرج میرزا (مشاهیر ایرانی ۱۸)» بررسی کرده است.

ولی الله درویدیان در کتاب «سرچشمه‌های مضامین شعر ایرج میرزا»، پس از شرح زندگی و بررسی روحیات ایرج میرزا، مآخذ اشعار ایرج را یاد آور شده است.

کتاب «ایرج شیرین سخن» شامل گزیده اشعار این شاعر را با پژوهش و گزینش ساعد باقری و سهیل محمودی و در قالب یکی از عناوین مجموعه صد سال شعر فارسی به ترتیب شامل فصول قصیده‌ها، غزل‌ها، مثنوی‌ها، قطعه‌ها و دو رباعی از این شاعر می‌شود.

کتاب جامعه، فرهنگ و سیاست در مقالات و اشعار سه شاعر انقلابی «ایرج میرزا-فرخی یزدی-میرزاده عشقی» از داوود علی بابایی شامل شرح زندگی شاعران مشروطه از جمله ایرج میرزا و برخی اشعار مربوط به انقلاب مشروطه از این شعرا و نقد دیدگاه سیاسی اجتماعی آنان است.

علی دهباشی در کتاب خود به نام سیری در زندگی و آثار ایرج میرزا به ارزیابی زندگی و آثار این شاعر از نگاه نویسندگان و ادیبانی چون محمد جعفر محبوب، یحیی آرین‌پور، نادر نادرپور، سعید نفیسی، سیروس طاهباز و... پرداخته است. وی در مقدمه کتاب ایرج میرزا را از زمره شاعران برجسته عصر مشروطیت می‌داند. و می‌نویسد شاید بتوان وی را از شاعران مطرح دوران تجدد در ادبیات ایران نیز به شمار آورد.

یحیی آرین‌پور در مقاله‌ای با عنوان «سیری در زندگی و آثار ایرج میرزا» به بررسی مراحل مختلف زندگی او پرداخته است.

«ستایش مادر»، عنوان مقاله‌ای از غلامحسین یوسفی است که در آن به بیان ویژگی‌های شعر مادر ایرج میرزا پرداخته است.

در بین بررسی‌های انجام شده در باره اشعار ایرج، شاید کمتر به این نکته توجه شده باشد که وی با وجود آنکه به شاهزادگی خود مباحث می‌کرد، ولی از نقد شاهان نیز ابایی نداشت و دواز حب و بغض و تعصب بی‌جا، منش روشنفکری و آزاداندیشی را پیش گرفته بود.

تحقیقات در مورد ایرج بیشتر در زمینه سبک شعری وی و نیز نقد اشعار او بوده است. لذا احساس می‌شود لازم است در شعرویدگاه او و نیز در زمینه مضامین اجتماعی و تربیتی وی در اشعارش ارزیابی و تفحص عمیق‌تری شود.

۲. رویکردهای تربیتی و اجتماعی در اشعار ایرج میرزا

اگر به زندگی و تحصیلات و تبار ایرج میرزا توجه کنیم به نکات مهمی در اشعار او پی خواهیم برد توجه او به اشعار گذشتگان، درگیری های سیاسی اجتماعی عصر او، توجه به تعلیم و تربیت، تکیه بر برخی مسایل مذهبی و... در اشعار او مشهود است که هر کدام در جای خود قابل بحث بوده و حائز اهمیت است.

ایرج از همان آغاز کودکی به مطالعه و کسب دانش علاقه زیادی از خود نشان می داد و محیط خانه نیز برای این امر مساعد می نمود. لذا او توانست اکثر کتب زمان گذشته و زمان خود را بخواند و تمام دانشی که از این طریق در ضمیر ناخودآگاهش بوجود آمده بود، در هنگام سرودن شعر در وی تاثیر خوبی به جای می گذاشت. لذا او از همه دانش خود به شکل زیبایی در اشعارش استفاده می کرد. آنچه در اینجا بدان اشاره خواهد شد تاثیر پذیری ایرج از شاعران و نویسندگان پارسی و غیر پارسی و بروز مفهوم و مضمون اشعار و نوشته هایشان در اشعار ایرج و همچنین تاثیر فرهنگ عامه و فرهنگ دینی و مذهبی در سروده های او است.

یکی از مهمترین صفات شعر ایرج، اجتماعی بودن آنست. گرچه ایرج برخلاف بهار شاعر سیاسی نیست، یعنی با وجود تمایلات شدید ترقی خواهانه و مشروطه طلبانه، چندان به نظام جامعه و ماهیت آن توجه ندارد، بلکه به مسائل و مصائب جامعه ای معطوف است که در آن زندگی می کند.

در شعر ایرج، نه تنها نام رجال سیاسی و ادبی، بلکه ذکر موسیقی دانان و آواز خوانان و خوش نویسان معاصرش را نیز می توان یافت و علاوه بر این، آداب و عادات و شیوه زندگی آن زمان را با شرح جزئیات در ابیاتش می توان دید.

با تورق دیوان ایرج بارها به اسامی آشنایی چون نظام السلطنه، وثوق الدوله، مؤتمن الملک، ملک الشعرای بهار، کلنل علینقی وزیری، عارف، درویش، قمر الملوک وزیری و امیر الکتاب برخورد می کنیم و یا نام مکان های مشهوری مانند باغ ملی و باغ خونی و قصر ملک مشهد و سرتخت و سرچشمه و قصر قجر تهران را می یابیم.

"در طعن و طنز حریفان، زبانی زیرکانه و کلامی دو پهلوی دارد و در وقت ضرورت، از تفسیری که به زبان او باشد می گریزد، حال آنکه ایرج در هر دو مورد، صریح و بی پرواست. چه در زور آزمایی با دشمنان و چه در یادآوری از دوستان، بیانی گستاخ و بی پرده دارد و از نام بردن بسیاری کسان و چیزها، بیمی به دل راه نمی دهد و این دلیری، در عصری که به اندازه عصر حافظ غرقه در جهل و خرافات بوده است، ستودنی است." (درویدیان، ۱۳۸۰، ص ۳۰)

ایرج به مسائل اجتماعی آگاه بوده و هرگز به رویدادهای اطرافش بی اعتنا نبوده است. لذا گاهی با الفاظ تلخ و گزنده و گاهی هم با هجو و طنز عقاید خود را حتی روشن و بی پرده پیاده کرده است. وی در مقابل قوام السلطنه شخصیت وی را اینگونه با طنز سرزنش کرده و مسائل اجتماعی را مطرح می کند (انتقاد از اوضاع کشور):

داش غلم مرگ توحظ کردم از اشعار تو من	متلذذ شدم از لذت گفتار تو، من
آفرین گفتم بر طبع گهربار تو، من	به خدا مات شدم در تو و در کار تو، من
وصف مرکزرا کس مثل تو بی پرده نگفت	رفته و دیده و سنجیده و بی پرده نگفت
غیر تو پیش کسی این همه اخبار کجاست	اگر اخبار بود جرات اظهار کجاست
پنطیند آن دگران، لوطی پادار کجاست	آن که لوطی گریت را کند انکار کجاست
آفرین ها به ثبات و به وفاداری تو	پر و پا قرصی و رک گویی و پاداری تو
که گمان داشت که این شور به پا خواهد شد	هر چه دزد است، ز نظمیه رها خواهد شد
دور ظلمت بدل از دور ضیا خواهد شد	دزد کت بسته، رییس الوزرا خواهد شد
مملکت باز همان آش و همان کاسه شود	لعل ما سنگ شود، لولو ما ماسه شود

وی حتی از انتقاد و شوخی با پادشاه نیز نه‌راسیده و اینگونه او را به خاطر عیاشی مورد اعتراض قرار می‌دهد:

فکر شاه فطنی باید کرد	شاه ما گنده و گول و خرف است
تخت و تاج و همه را ول کرده	در هتل‌های اروپ معتکف است
نشود منصرف از سیر فرنگ	این همان احمد لای‌نصرف است

(ایرج، ۱۳۵۳، ص ۱۶۸)

۲-۱- انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور

وی در ای زمینه از بهار پیروی می‌کند و در عارف نامه به عارف توصیه می‌کند از سیاست بازی دست بکشد.

تو این کرم سیاست چیست داری	چرا پا بر دم افعی گذاری
سیاست پیشه مردم حيله سازند	نه مانند من و تو پاک بازند
تماما حقه باز و شارلاتانند	به هر جاهر چه پاش افتاد آنند
به هر تغییر شکلی مستعدند	گاهی مشروطه گاهی مستبدند
من و تو زود درگیرش بمانیم	که هم بی دست و هم بی دوستانیم ...

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳، ص ۹۳)

۲-۲- توجه فراوان به تعلیم و تربیت کودکان:

قطعاتی مانند شوق درس خواندن، مهر مادر، کلاغ و روباه، خر و صیادان، دو نفر دزد و ما که اطفال این دبستانیم حاکی از توجه او به این قضیه دارد. قطعاتی که ایرج از زبان فرانسه و نیز شاعرانی مانند لافونتین ترجمه کرده و به نظم درآورده شاهد این مدعاست نوشتن کتاب برای کودکان به طور رسمی از اواخر قرن سیزدهم آغاز شد. جنبش مشروطه باعث ایجاد یک دید واقع گرا و مردم گرا در هنرمندان و این مسئله در ادبیات کودک آن زمان هم موثر واقع شد. نویسندگان و شعرای آن عصر به تعلیم و تربیت اهمیت بیشتری می‌دادند. بسیاری از آنان با ادبیات غرب مستقیماً آشنایی داشتند و اگر چه برای خود رسالتی دیگر قائل بودند، ولی از اطفال و نوجوانان نیز غافل نماندند. نویسندگی و سرایندگی این دسته از نویسندگان برای کودکان بیشتر تفننی بود، ولی به هر حال، امروز اشعاری از ایرج میرزا، عشقی و بهار را اطفال سنین دبستانی و نوجوانی با میل بسیار می‌خوانند. (علی پور، ۱۳۸۱، ص ۲۸)

"در این میان ایرج میرزا شاعری است که نخستین گام را در راه ایجاد ادبیات کودکان در ایران برداشته است" (حائری، ۱۳۷۰، ص ۲۸۹) لذا به جرات می‌توان "او را در زمره‌ی نخستین کوشندگان ادبیات کودکان در ایران نوین دانست" (باحقی، ۱۳۷۴، ص ۳۱۵)

اشعار زیادی از ایرج میرزا در کتب درسی آن زمان منتشر شده بود و کودکان ایرانی تا مدت‌ها این اشعار را ورد زبان خود کرده بودند. اشعار "داشت عباس قلی خان پسری"، "عید نوروز"، "چنین می‌گفت شاگردی به مکتب"، "حمد خدا"، "ما که اطفال این دبستانیم" و "بچه ای باشعور و با فرهنگ" از جمله اشعار کودکانه ایرج میرزا هستند.

ایرج میرزا در اشعار خود ابعاد تربیتی و اخلاقی را به طرق مختلف گوشزد می‌کند. او در سروده‌هایش مسائل تربیتی را واضح بیان می‌کند. در این زمینه شعر "پسر بی هنر" که یکی از مشهورترین اشعار اوست. شعری که کودکان و حتی بزرگ‌ترها با آن آشنایی دارند و حداقل تعدادی از ابیات آن را از بر هستند. این سروده نمونه‌ای است که در آن وی خصوصیات و نکات اخلاقی منفی و ناهنجاری‌های رفتاری یک پسر بازی‌گوش را بر شمرده و در پایان از کودکان می‌خواهد تا مثل این پسر نباشند. این روشی بسیار موثر برای برقراری ارتباط با کودکان است

که وی از آن استفاده نموده است. البته در سروده‌های دیگر وی نیز مسائل اخلاقی و تربیتی زیاد به چشم می‌خورد که در اینجا به همین اندک بسنده می‌شود.

داشت عباس قلی خان پسری	پسر بی ادب و بی هنری
اسم او بود علی مردان خان	کلفت خانه ز دستش به امان
پشت کالسکه‌ی مردم می‌جست	دل کالسکه نشین را می‌خست
هر سحر گه دم در بر لب جو	بود چون کرم به گل رفته فرو
بس که بود آن پسر خیره و بد	همه از او بدشان می‌آمد
هر چه می‌گفت لاله لج می‌کرد	دهنش را به لاله کج می‌کرد
هر کجا لانه گنجشکی بود	بچه گنجشک درآوردی زود
هر چه می‌دادند می‌گفت کم است	مادرش مات که این چه شکم است
نه پدر راضی از او نه مادر	نه معلم، نه لاله، نه نوکر
ای پسر جان من! این قصه بخوان	تو مشو مثل علی مردان خان

(همان، ص ۱۵۵)

۲-۳- تشویق جوانان به دانش‌اندوختن و علم‌آموختن

ایرج مردی بود که خود از طریق کسب دانش و کمال به جایی رسیده و در میان اهل فضل و ادب مقامی یافته بود و از همین روی به دانش و فضل علاقه فراوان داش و در دیوان او قطعه‌های کوچک و قصیده‌های مفصل در آن باب دیده می‌شود. از جمله قصیده‌ای که مطلع آن این است:

فکر آن باش که سال دگر ای شوخ پسر	روزگار تو دگر گردد و کار تو دگر
حسن تو بسته به مویی است زمن رنجه مشو	که زروز بد تو بر تو شدم یاد آور....

(ایرج، ۱۳۵۳، ص ۲۱)

ایرج در محیطی آشنا به ادب و فرهنگ بوده و به علم و دانش توجه خاصی دارد. او خداوند را شاکر است که شرایط را برای کسب علم و دانش برای او مهیا نموده و در وی علاقه به فرهنگ و هنر را نهاده است:

حمد بر کردگار یکتا باد	که مرا شوق درس خواندن داد
آشنا کرد چشم من به کتاب	داده توفیق خیرم از هرباب
در سر من هوای درس نهاد	در دل من محبت استاد

عشق باشد به درس و مشق مرا

نبود جز به این دو عشق مرا

(همان، ص ۱۵۴)

وی دانش را بهترین مسند انسان می‌داند و اعتقاد دارد علم درختی سر سبز و پایدار است و در فصول مختلف عمر انسان ثمرات خوبی برای او دارد:

تکیه بر حسن مکن در طلب علم برآی

این درختی است که هر فصل دهد بر تو ثمر

کوش کز علم به خود تکیه گهی ساز کنی

چون ببندد حسن از خدمت تو ساز سفر

(همان، ص ۲۲)

۲-۴- اظهار علاقه به مادر و حق شناسی

اغلب قصیده‌هایی که ایرج در مورد مادر سروده به خوبی تاثیرگذار است آنقدر که گاه احساسات خواننده را تا حد اشک ریختن تحریک می‌کند. قطعه «گویند مرا چو زاد مادر» قطعه جاویدان شعر فارسی است و «قلب مادر» نیز از قطعاتی است که عواطف انسان را به خوبی تحریک می‌کند و حتی توصیه‌های او نیز در مورد مادر قابل توجه است.

پسر و قهرمان مادران که دایم

کشد رنج پسر بی چاره مادر

برو بیش از پدر خواهش که خواهد

تو را بیش از پدر بی چاره مادر

ز جان محبوب تر دارش که دازد

ز جان محبوب تر بی چاره مادر

نگه داری کند نه ماه و نه روز

تو را چون جان به بر بی چاره مادر

از این پهلو به آن پهلو نعلند

شب از بیم خطر بی چاره مادر

به وقت زادن تو مرگ خود را

بگیرد در نظر بی چاره مادر

بشوید کهنه و آراید او را

چو کمتر کارگر بی چاره مادر

تموز و دی تو را ساعت به ساعت

نماید خشک و تر بی چاره مادر

اگر یک عطسه آید از دماغ

پرد هوشش ز سر بی چاره مادر

اگر یک سرفه بی جا نمایی

خورد خون جگر بی چاره مادر

برای این که شب راحت بخوابی

نخوابد تا سحر بی چاره مادر

دو سال از گریه‌ی روز و شب تو

نداند خواب و خور بی چاره مادر

چو دندان آوری رنجور گردی

کشد رنج دگر بی چاره مادر

سپس چون پا گرفتی، تا نیفتی

خورد غم بیشتر بی چاره مادر

تو تا یک مختصر جانی بگیری	کند جان، مختصر بی چاره مادر
به مکتب چون روی تا باز گردی	بود چشمش به در بی چاره مادر
و گر یک ربع ساعت دیر آیی	شود از خود به در بی چاره مادر
نبیند هیچ کس زحمت به دنیا	ز مادر بیشتر، بی چاره مادر!
تمام حاصلش از زحمت این است	که دارد یک پسر بی چاره مادر

(ایرج، ۱۳۵۳، ص ۱۸۹)

در زمینه حق شناسی و قدر دانی، حق استاد نیز شعر معروف اوست :

گفت استاد میر درس از یاد	یاد باد آن چه به من گفت استاد
یاد باد آن که مرا یاد آموخت	آدمی نان خورد از دولت یاد
هیچ یادم نرود این معنی	که مرا مادر من نادان زاد
پدرم نیز چو استادم دید	گشت از تربیت من آزاد
پس مرا منت از استاد بود	که به تعلیم من استاد استاد
هر چه می دانست آموخت مرا	غیر یک اصل که ناگفته نهاد
قدر استاد نکو دانستن	حیف استاد به من یاد نداد
گر بمردست، روانش پرنور!	ور بود زنده، خدا یارش باد!

(ایرج، ۱۳۵۳، ص ۱۷۲)

۲-۵- تشویق مردم به وطن پرستی و تقدیر از وطن پرستان

دلم به حال توای دوست دارایران سوخت که چون تو شیر نری را در این کنام کنند

در این باره همان قطعه معروفی که در مورد کلنل پسیان سروده می تواند گویای توجه ایرج به وطن پرستی و تقدیر و تشویق از وطن پرستان باشد. البته در منظومه زهره و منوچهر هم ابیاتی در این زمینه به چشم می خورد.

نکته مهم دیگری که در اشعار ایرج به چشم می خورد حس وطن دوستی و آموزش آن به کودکان است. او در اشعاری که برای کودکان سروده سعی دارد حس وفاداری به میهن و دفاع از میهن را از دوران طفولیت به کودکان ایرانی بیاموزد. زیباست که وی در ضمن اشاعه این حس، آن را نشانه و زاده ای ایمان می داند و معتقد است در برابر دشمنان وطن باید از جان گذشت. بسیاری از اشعار او در کتب درسی ادبیات آن زمان استفاده شده است. سروده زیر با نام "وطن دوستی" از نمونه های سروده های در این زمینه است :

ما که اطفال این دبستانیم همه از خاک پاک ایرانیم

همه با هم برادر وطنیم	مهربان همچو جسم با جانیم
اشرف و انجب تمام ملل	یادگار قدیم دورانییم
وطن ما به جای مادر ماست	ما گروه وطن پرستانییم
شکر داریم کز طفولیت	درس حُبِّ الوَطَن همی خوانییم
چون که حب وطن ز ایمان است	ما یقیناً ز اهل ایمانییم
گر رسد دشمنی برای وطن	جان و دل رایگان بیفشانییم

(همان، ص ۱۹۴)

۲-۶- انتقاد از زاهدان ریایی

البته در این زمینه قطعه اشک شیخ و ابیاتی از عارف نامه گواه انتقاد وی از زاهدان ریاکار است گرچه این مطلب اشعار حافظ را نیز به یاد می آورد و توجه ایرج به اشعار حافظ را نیز یادآور می سازد. وی معتقد است قسمتی از عقب ماندگی های ایران به دلیل تلقی های شیوخ ریاکار و واعظان از روضه خوان بدتر و جن گیر و رمال است.

۲-۷- دفاع از حقوق زن

در دیوان ایرج در مورد زنان بسیار سخن گفته شده است. هم در عارف نامه در این باب بسط مقال داده و هم قصیده ها و قطعه های دیگری در این معنی سروده است، مانند قصیده های با این مطلع:

بر سر در کاروان سرایی	تصویر زنی به گج کشیدند.....
-----------------------	-----------------------------

(ایرج، ۱۳۵۳، ص ۱۷۷)

در واقع دفاع از حقوق زن یکی از موضوعاتی است که عارف نامه ی ایرج میرزا دیده می شود. به نظر ایرج زن و مرد مساویند و هیچ فرقی ندارد و قوه ی تمایز و تشخیص زنان مانند مردان است. او به عفت و عصمت زن توجه داشته و بر آن تاکید می کند.

مگر زن در میان مابشر نیست؟	مگر زن در تمیز خیر و شر نیست؟
توپنداری که چادر ز آهن و روست؟	اگر زن شیوه زن شد، مانع اوست؟
زنان را عصمت و عفت ضرور است	نه چادر لازم و نه چاقچور است
زن روبرسته را ادراک و هُش نیست	تئاتر و رستوران ناموس کش نیست
اگر زن را بود آهنگ هیزی	بودیکسان تئاتر و پای دیزی
چه خوش این بیت را فرمود جامی	مهرین استاد کل بعد از نظامی:
"پریرو تاب مستوری ندارد	در ار بندی، سراز روزن در آرد"

چوزن تعلیم دیدو دانش آموخت رواق جان به نور دینش افروخت
به هیچ افسون ز عصمت برنگردد به دریا گر بیفتند تر نگردد
(ایرج، ۱۳۵۳، ص ۸۳-۷۹)

البته برخی اشعار او را برضد حجاب تلقی کرده اند و منظور او را کشف حجاب دانسته اند و معتقدند ایرج بر حجاب خرده گرفته است. اما اگر با دقت سروده‌هایش در مثنوی "عاف نامه" را بخوانیم و در آن‌ها تأمل کنیم در خواهیم یافت که منظور ایرج مخالفت با پوشش اسلامی نیست بلکه نظر او این است که هر زن باید خود فلسفه حجاب را درک کرده و به اختیار خود آن را انتخاب کند. حتی ایرج رعایت پوشش را در حد شرعی جایز دانسته و بطور واضح از آن در حد شرع و قران دفاع می‌کند:

پیمبر آن چه فرمودست، آن کن نه زینت فاش و نه صورت نهان کن
حجاب دست و صورت خود یقین است که ضدِ نصِّ قرآن مبین است
(ایرج، ۱۳۵۳، ص ۸۴)

لذا نمی‌توان گفت وی با کشف حجاب موافق است بلکه با ژرف اندیشی در اشعار او می‌توان دریافت وی از آزادی زن در هر زمینه دفاع می‌کند.

۲-۸- شکایت از دنیا و روزگار بی وفا

از مضامینی که در دیوان ایرج به آن برمی‌خوریم شکوه‌های او از دنیا و روزگار است. به نظر او دنیا دشمن دیرینه انسان‌هاست. دنیا اهریمن وار با مکر و حيله در تلاش است تا انسان را در دریای فراموشی و خودخواهی غرق کند. به عقیده این شاعر افرادی که در دنیا در پی آسایش اند به زودی به باطل بودن فکر خود پی خواهند برد:

شکوه بر چرخ برانداز دشمن عجا چرخ بود دشمن من
الله الله که باید نالید زین ستمگر فلک اهریمن
همه سرتا پا مکر است و فریب همه پا تا سر رنج است و محن
طلب شادی از این چرخ حرون طمع راحت از این دهر فتن
بادبیزی بود اندر غربال آب سایه بود اندرهاون
(ایرج، ۱۳۵۳، ص ۴۲)

در «عارف نامه» نیز با توجه به دل حزینی که از عارف دارد لب به شکایت از روزگار می‌گشاید. به نظر او روزگار همیشه یکسان نمی‌گذرد. گاه انسان‌ها در اوج قدرت اند و گاه در پست ترین مکان‌ها اسیر. با بدست آوردن قدرت به همه کس و همه چیز پشت پا می‌زنند و غافلند از اینکه روزگار مستی و قدرت به سر خواهد آمد و فردا گرفتار احوال نامساعد روزگار خواهند شد. وی معتقد است تنها نادانان و جاهلان دل در این دنیای فانی می‌بندند و از گردش هزار رنگ آن غافلند.

جهان چون خوی تو نقش بر آب است زمانی خوش اُغر گه بد لعاب است

یکی را افکند امروز در بند	کند روز دگر اورا خداوند
اگر کارش وفاقی یا نفاقست	تمام کار عالم اتفاقی است
نه مهر هیچ کس در سینه دارد	نه با کس کینه‌ی دیرینه دارد
به نادان آن چنان روزی رساند	که صد دانادر آن حیران بماند

(ایرج، ۱۳۵۳، ص ۸۹)

این گونه تفکر ایرج ما را به یاد نصایح عارفانه و عالمانه شعرایی چون حافظ و سعدی می‌اندازد.

ایرج میرزا به عنوان یک شاعر درباری ولی آشنا به مشکلات و روحیات عوام از فرهنگ مردم در اشعارش بسیار بهره گرفته است. استفاده از مضامین تربیتی و اجتماعی در اشعار ایرج به دلیل تعصب و پای بندی وی به این نوع فرهنگ نیست، بلکه به دلیل کنش اخلاقی و موقعیت اجتماعی شاعر و نیز اهداف سیاسی اجتماعی اوست. ایرج میرزا شاعری است از طبقه مرقه جامعه و شاهزاده ای است که خود و پدرانش علاوه بر علاقه به شعر، شغل شاعر فرمایشی را داشته اند. محیط زندگی آمیخته با ادبیات و شعر و شرایط مناسب و مهیا برای مطالعه و تحقیق و تعلیم و تحصیل غنیمتی بود که ایرج از آن ها به خوبی بهره گرفت. تمایل او به آزادی و آزادی خواهی در جریان تغییرات و تحولات سیاسی کشور و رنج از نابسامانی های اجتماعی موجب شد دگرگونی خاص در اشعارش پیدا شده و شجاعانه، بدون هراس و بدون توجه به سابقه خانوادگی اش عقاید خود را در قالب اعتراض، گلایه، شکوه، طعنه و با بی پردگی بیان دارد و همین باعث یافتن جایگاه ویژه ای در بین مردم شد. وی نیز مانند شاعرانی چون ملک الشعرای بهار و فرخی یزدی که در جریان انقلاب مشروطه بودند از حوادث روزگار اثر پذیرفته و مانند نویسندگان و شاعران دوره مشروطیت که در آثار نظم و نثر خود اندیشه هایی را در قالب سبکی ساده و بی تکلف بیان کردند، به سمت مردم گرایش بیشتری پیدا کرده و سعی می کند با زبانی ساده و عامیانه مسایل جامعه را بیان کرده و به نقد بگذارد تا درک آن برای عموم آسان باشد. مسلم است در دورانی که زندگی اجتماعی تغییر کرده و مردم کوچه و بازار در اداره مملکت خود سهیم شده بودند لازم بود تا ادبیات و شعر نیز مناسب اوضاع باشد. نقطه ی عطف در محبوبیت و مقبولیت او استفاده از کلمات و عبارات عامیانه و ضرب المثلهای متداول است که کلام شاعر را برای مردم عادی رساتر می کند. افکار او برگرفته از حقایق موجود اجتماع است و تلاش او بر این است که زندگی روزانه ایران معاصر و دردهای جامعه را آن چنان که هست نمایش دهد. و به عنوان یک شاعر انقلابی و ناقد اجتماعی. با انتخاب سادگی و بی آلاشی به مردم نزدیک شده و با زبان مردم با آن ها سخن می گوید. آن چنان که در اوضاع اواخر زندگی شاعر می توان دید زندگی مادی برای شاعر در درجه ی اول اهمیت نیست و در اشعار او هم نسبت به بقیه ی مؤلفه های فرهنگ مردم انعکاس ضعیف تری دارد. در مجموع، ایرج میرزا یک شاعر هنرمند و یک منتقد سیاسی اجتماعی است.

منابع و مراجع

- [۱] آراین پور، یحیی، ۱۳۸۲، از صبا تا نیما (جلد ۱)، تهران، زوآر
- [۲]، ۱۳۵۷، از صبا تا نیما، (جلد ۲)، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی
- [۳] آشوری، داریوش، ۱۳۸۱، تعریف‌ها و مفاهیم فرهنگ، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگه،
- [۴]، ۱۳۸۱، واژگان فلسفه و علوم اجتماعی، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگاه
- [۵] امامی، نصرالله، ۱۳۷۹، فروغ گل (گزیده اشعار منوچهر دامغانی)، چاپ اول، تهران، جامی.
- [۶] انوری حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ سخن، تهران، سخن، ج ۶
- [۷] اینگهارت، رونالد، ۱۳۷۳، تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، چاپ اول، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر
- [۸] باطنی، محمدرضا، ۱۳۸۴، فرهنگ معاصر پویا انگلیسی - فارسی، تهران، نشر آینده
- [۹] باقری، ساعد، ۱۳۸۹، ایرج شیرین سخن (گزیده اشعار ایرج میرزا، پژوهش و گزینش ساعد باقری و سهیل محمودی)، تهران، امیر کبیر، کتاب‌های جیبی
- [۱۰] بهار، محمدتقی، ۱۳۷۳، سبک شناسی (جلد سوم)، چاپ هفتم، تهران، امیر کبیر
- [۱۱] بیرو، آلن، ۱۳۶۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان
- [۱۲] پائوف، میشل، پرن، میشل، ۱۳۶۸، فرهنگ مردم شناسی، ترجمه اصغر عسکری خانقاه، چاپ اول، تهران، نشر ویس.
- [۱۳] ثروتیان، بهروز و ایرانی، اکبر (۱۳۸۱)، درخت طوبی، تهران: موسسه فرهنگی اهل قلم.
- [۱۴] حائری، هادی، ۱۳۶۴، افکار و آثار ایرج، تهران، جاویدان.
- [۱۵] حاکمی، اسماعیل، ۱۳۷۴، ادبیات معاصر ایران، تهران، اساطیر
- [۱۶] حلبی، علی اصغر، ۱۳۷۵، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، چاپ چهارم، تهران، اساطیری
- [۱۷] خمینی، روح الله، ۱۳۷۰، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- [۱۸] درودیان، ولی الله، ۱۳۸۰، سرچشمه‌های مضامین شعر ایرج میرزا، تهران، نشر قطره
- [۱۹] دهباشی، علی، ۱۳۸۷، سیری در زندگی و آثار ایرج میرزا، تهران، اختران
- [۲۰] دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۵، لغت نامه، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا.
- [۲۱] رازقی، ابراهیم، ۱۳۸۳، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، چاپ اول، تهران، نشرنی
- [۲۲] رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۸، آناتومی جامعه (مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی)، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سهامی انتشار.
- [۲۳] ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان
- [۲۴] سپانلو، محمد علی، ۱۳۷۶، شهر شعر ایرج، چاپ اول، تهران، نشر علمی
- [۲۵] سرکاراتی، بهمن (۱۳۸۵)، سایه‌های شکار شده، تهران: طهوری.
- [۲۶] علی بابایی، داوود، ۱۳۸۴، جامعه، فرهنگ و سیاست در مقالات و اشعار سه شاعر انقلابی (ایرج میرزا، فرخی یزدی، میرزاده عشقی)، تهران، انتشارات امیدفردا
- [۲۷] علی پور، منوچهر، ۱۳۸۱، آشنایی با ادبیات کودکان، چاپ دوم، تهران، تیرگان
- [۲۸] عمید، حسن، ۱۳۶۹، فرهنگ عمید، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر
- [۲۹] فکوهی، ناصر، ۱۳۸۳، انسان شناسی شهری، چاپ اول، تهران، نشرنی
- [۳۰] گولد جولیوس، کلب، ویلیام، ۱۳۷۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی و دیگران، چاپ اول، تهران، انتشارات مازیار
- [۳۱] محبوب، محمد جعفر، ۱۳۵۳، تحقیق در احوال و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او، چاپ سوم، تهران، نشراندیشه
- [۳۲] مرسلوند، حسن، ۱۳۶۹، زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران (۱۳۲۰-۱۲۹۹)، تهران، الهام
- [۳۳] معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر.
- [۳۴] وثوقی، منصور، نیک خلق، علی اکبر، ۱۳۷۰، مبانی جامعه شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات خردمند
- [۳۵] یزدانی، زینب، ۱۳۸۳، ایرج میرزا (مشاهیر ایرانی ۱۸)، چاپ اول، تهران، انتشارات تیرگان